

# قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

مهران طبری

## موشها و کشتی در حال غرق

حتی موشها نیز کشتی در حال غرق شدن بقیه در صفحه ۳

حسینعلی مشکان

### زبان امام را

#### چه کسی می فهمد؟

آیت الله منتظری گفته است که بیانات اخیر امام را عده‌یی بد فهمیده اند و آن را مستمسک توهین و تهدید و ضرب و شتم اشخاص قرار داده اند.

آخرش ما نفهمیدیم زبان امام را چه کسی بهتر می فهمد و در میان این همه کاسه و وحی و شارج و مفسر و محدث و فقیه و شریعت‌مدار که کلام امام را هر کدام یک جور می‌شنوند و یک جور تعبیر می‌کنند به حرف کی باید اکتفا کرد.

بقیه در صفحه ۱۲

آنان که می پنداشتند تا خمینی زنده است، در ایران تغییر مهمی روی نخواهد داد، یک روزا کثرت بزرگی را تشکیل می دادند. زمان هر چه بیشتر گذشت، آن اکثریت کاهش بیشتری یافت. امروز حتی خود آیت الله نیز زبان نگرانی به آینده سیاسی خود می نگرد. لریزه هاشمی که بر بنیای قدرت خمینی افکنده شده، صدای ترک خوردگی آن را به گوش همه می رساند. منتظری، خامنه‌ای و رفسنجانی هم آن را می شنوند.

آنان که یک روز سنگ "امام" را به سینه می زدند، امروز بیش از آن که نگران آینده جمهوری اسلامی باشند، نگران سرنوشت شخصی خود هستند. جمهوری اسلامی که ما ندانی نیست، پس باید خود را نجات داد. این محاسبه کنونی آنهاست.

بقیه در صفحه ۱۲

## انفجارهای پاریس

تهران پاریس را به مسلح کردن عراق و خودداری از بازپرداخت وامش؛ دومیلیار دلار سرمایه گذاری شاه در مو، سه "اورودیف"، متهم می کند. در حالی که این پول برای خرید اسلحه، عرضه شده به وسیله کشورهای غربی، در لندن، ضروری است. دومیلیار در واقع خرج حمله بزرگ و نهائی است که خمینی نقشه آن را علیه بغداد طرح کرده و برای بدست آوردن آن حاضر به هر کاری است.

\*\*\*

کلید آخرین انفجارهای پاریس را، احتمالاً باید در لندن، روبروی کلیسای وست مینستر، در مرکز شرکت ملی نفت ایران، جستجو کرد. ساختمان شماره ۴ ویکتوریا استریت لندن خیلی بیش از یک شرکت نفتی ساده است. اینجا مرکز بزرگ ترین شبکه بین المللی خرید اسلحه قاچاق است که به وسیله صادق طباطبائی، داماد آیت الله خمینی، بنیادگذاری شده است. پانزده افسر و مهندس، زیر نظر یک سرهنگ، وابسته به وزارت دفاع ایران در آن فعالیت می کنند. از آغاز جنگ با عراق، این عده، هر ساله ۷۰ درصد سلاح های مورد نیاز ایران را تهیه می کنند. در ۱۹۸۵ میزان این معاملات قاچاق به حدود ۴ میلیار دلار بالغ شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

هادی یزاد

بمناسبت آغاز هفتمین سال جنگ

## پیوند خمینی با جنگ

ظاهراً "ازو خامت روزا فزون اوضاع به وحشت افتاده اند، به خدمت "امام" می رسند تا بدین پیروان را از این آشفتگی و فلاکتی که در مملکت شده است آگاه کنند و سرانجام از او بخواهند تا کار به جایی نرسد که برای ترکشیده است، لا اقل راهی برای فرار از تنگنای جنگ بیندیشد. این شخص به روایت از بعضی شرکت کنندگان در آن محفل می گوید:

"هریک از ما کوشی داشت تا در باره گرانی سرسام آور، کمبود و نبود ارزاق، بی خانمانی، شیوع بیماری و فحشاء و دزدی و رشوه خواری و فغان و ناله مردم تصویری هر اندازه موثر و روشن به "امام" بدهم بلکه ورا از این یکدنگی و تعصب و اصرار بدارد. آنچه در چنته داشتیم و می دانستیم گفتیم تا آنکه دیگر نکته ای نماند. نماز منظر ما ندیم تا به بینیم انعکاس روضه های ما چیست؟ امام بعد از سکوتی نسبتاً طولانی سر را که در تمام این مدت بزرگ سر انداخته بود دوباره به سمت راست تسبیح ورمی رفت، بلند کرد و بایک جمله آب پاکی را روی دست همه ی ما ریخت و با لغزشی روی مخده به نشانه ی جوار مرخصی، ختم مجلس را اعلام کرد - جمله "امام" این بود: "با این حساب شما فقط دعا کنید که خمینی بمیرد" - معنایش احتیاج به تفسیر نداشت، یعنی تا وقتی نفسی در من باقیست برای این "صلاح اندیشی ها" بقدر دانه ی ارزنی ارزش قائل نیستم و مصلحت شما هم این است که دهان ها را بدوزید و دنبال این فضولی ها نروید."

بقیه در صفحه ۲

شخصی که با بعضی از کارگردانان رژیم آشنا می و هم صحبتی دارم نقل می کند: "چندی قبل گروهی از سرداران کسبه

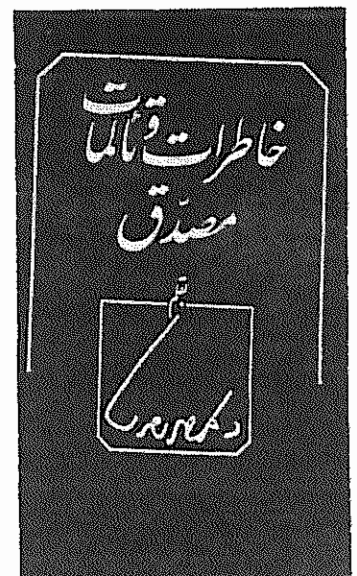
## بهشت گمشده

### یافزار از دوزخ

اگر حوصله کنید، از میان مطالب روزنامه های صادره شده رژیم نیز می توانید چیزهایی پیدا کنید که کارگزاران حکومت سعی در پنهان کردن آن دارند. در روزنامه کیهان چاپ تهران، خواننده ای با اشاره به خیال آوارگان ایرانی در ترکیه می نویسد: "دوستانی که به تازگی از ترکیه برگشته اند با چشمان اشکبار و قلبی دردمند در مورد وضعیت دختران و پسران جوان ایرانی ساکن ترکیه به صحبت می نشینند که با اندکی پول به امید گرفتن پناهندگی به آن کشور رفته اند و با طولانی شدن اقامت و ته کشیدن پول به دزدی، قاچاق مواد مخدر و فحشا روی آورده اند."

بقیه در صفحه ۱۱

معرفی کتاب



در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

## هماهنگی بی سابقه بازار مشترک در مبارزه با تروریسم

برای عملیات تروریستی خود استفاده می کنند در برمی گیرند و کارشناسان امنیتی پیش بینی می کنند که حداقل نام حدود ۲۰۰ تن که در میان آنان روی گروهای کشتار، طراحان و دلالان اسلحه وجود دارد، در این لیست خواهد آمد. افرادی که نامشان در لیست تروریست های خطرناک آمده است در برابر اروپا تحت مراقبت و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و گزارش روز به روز اعمال و ملاقات های آنان در هر کشور تهیه خواهد شد.

بقیه در صفحه ۵

روزنامه تایمز جاب لندن در شماره ۲۷ (سینامبر) نوشته است گسترده ترین عملیات هماهنگ سازی نیروهای پلیس برای مبارزه با تروریسم که تا کنون در اروپا بی سابقه بوده است روز گذشته (۲۶ سینامبر) در پیی گردهم آیی وزیران کشور اعصابی بازار مشترک آغاز شد. نیروهای پلیس و امنیتی تهیه لیست سیاهی از خطرناک ترین تروریست های که امنیت اروپا را تهدید می کنند، را آغاز کرده اند. این لیست نام پلیس از ۲۰ گروه را که با در اروپا پیسر می برند یا از کشورهای بازار مشترک



# موشها و کشتی

## در حال غرق

بقیه از صفحه ۱

را ترک می کنند.

خمینی تنهاست.

خمینی دیگر زفوران احساس خودجوش توده مردم نیرومی گیرد. مدتهاست که نیروی او زلوله تفنگ پاسدارانش می آید. و این دیگر آن نیروی نیست که به آیت الله پروبال پرواز به جا های دور و بلند بدهد.

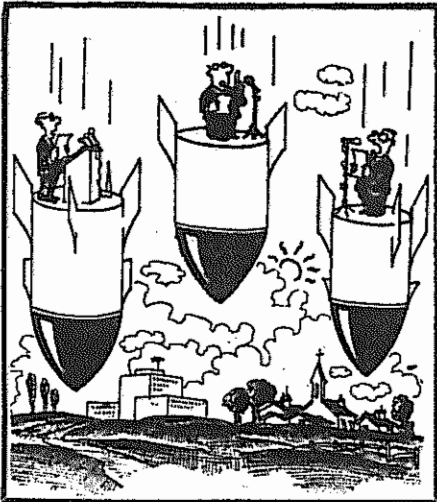
آنچه این روزها در پیرامون خمینی می گذرد، انسان را بی اختیار به یاد آخرین روزهای هیتلر می اندازد. رابطه اعتماد متقابل که در اوائل به قدرت رسیدن هیتلر میان او و توده آلمانی وجود داشت، در او خردمردی منافی جای به یک رابطه عدم اعتماد متقابل داد. توده ها از پیرامون او پراکنده، اطرافیان نزدیک بیش از پیش در اندیشه نجات خود شدند. حتی برخی از آنان راه های کشتن او و خلاص کردن خود دولت آلمان را آزمودند و بعضاً "بهای این ابتکار

نا فرجام خود را پرداختند. خمینی نیز امروز توده را برای همیشه از دست داده است. این در محیط زیست سیاسی او خلاصی بوجود آورده است که جز بنا زوردستگاه های سرکوبگر و عناصر مسلح رژیم پرکردنی نیست. و خمینی ناگزیر شده است قدرت خود را میان نیروهای که چشم دیدن یکدیگر را ندارند، تقسیم کند. این بدترین و نادرخواه ترین سرنوشتی است که هر دیکتاتور از نوع آیت الله را آزمای دهد. هنوز مرکب چاپ سخنرانی های بیش در جماران خشک نشده، رفسنجانی یک جور حرف های او را تعبیر می کند، و میرحسین موسوی جوری دیگر، و بتازگی آیت الله منتظری که معمولاً در پاسخوگویی به حرف های خمینی جانبا احتیاط را رها نمی کرد و بیشتر به اشاره های غیر مستقیم می پرداخت، امروز علناً می گوید که نباید حرف های او را دستاویزی برای کوبیدن مخالفان قرار داد. به عبارت روشن تر، منتظری درست همه آن کسانی را در پناه گرفت که خمینی در سخنرانی های آخرش بدانسان حمله کرده بود.

با گذشت زمان، با افتادن چرخ حکومت در گل ولای امور روزانه، بیای فرماندگی دولت در اداره امور، خمینی نقش دار و رنهایی را هر چه بیشتر از دست داد و هر دو دسته ای کوشید برای توجیه گرایش های پیش از زوزه او استفاده کنند؛ خویشینی ها برای آنکه ما رکسیسم اسلامی خود را رواج دهد، آذری قمی برای آنکه نقاب از ما رکسیسم خویشینی ها بردارد. هر قدر که آیت الله بیشتر به جنگ قدرت روزانه کشانده شد، مقام خود را به عنوان دار و رنهایی، بیشتر از دست داد. او امروز بیشتر با زیجه دست این و آن شده است و کمتر از همیشه به عنوان دار و رنهایی، تعیین کننده مسیر حرکت جمهوری اسلامی است.

# جنگ ویرانگر

## ایران و عراق از پافتناده اند



جنگ هراسناک و بیظا هر پایی نا پذیر خلیج فارس در طول شش سال عمر خود هرگز این چنین خطرناک و تهدید کننده نبوده است. انبوه قوای جمهوری اسلامی که در مرزهای دو کشور در حالت آماده باش اند با این گفته آیت الله خمینی که سال سال تعیین سرنوشت جنگ خواهد بود، و شدت یافتن حملات عراق برای قطع صادرات نفت که رگ های حیات اقتصاد ایران است، امیدهای مبهمی را برای پایان یافتن جنگ ببار آورده اند.

پرسش اکثر دیپلمات ها و تحلیل گران جنگ اکنون آن است که آیا می توان با پایی برای جنگ حدس زد. گیریم که زمان و چگونگی آن همچنان و هنوز موضوع بحث باشد. بطور کلی این گمان که جمهوری اسلامی راه حلی نظامی برای این بن بست ارائه دهد، مردود است. هر چند که این بار رقه با ریک امید وجود دارد که با سقوط قیمت نفت و خالی شدن خزانه اندک اندک جنگ به نقطه توقف برسد. قدر مسلم آن است که با افت تدریجی منابع مالی و وجود جنگ شرایط برای کاهش حملات و تنش پس و سرا نجام متراکه جنگ هموار نخواهد شد.

### دشواریهای اقتصادی عراق

دشوارهای اقتصادی عراق در حال حاضر سخن از هرگونه توافق گفتن امری غیر واقعی و خام اندیشه بشمار می رود. علیرغم فشارهای اقتصادی که بر هر دو طرف می آید تاکنون ضرب آهنگ جنگ را سرعت بخشیده است. عراق، هم خود را بر سر قطع صادرات نفت ایران نهاده است. پیروزی وی در رساندن صادرات نفت ایران از ۱/۶ میلیون بشکه در روز به ۶۰۰/۰۰۰ بشکه موضع سرخس های تهران را کوه خواستار حمله ای یکسره و همه جا نهداند. تقویت کرده است. عراق قدام حسین ظاهر "سرا نجام برنا توانی - یا اکره - در بهره برداری کامل از نیروی هوایی برتر خویش غلبه کرده است. عربستان سعودی و کویت که تاکنون بیش از ۳۰ میلیارد دلار در این جنگ خرج کرده اند، علاقه دارند که عراق هر چه بیشتر و عمیق تر در جنگ درگیر شود. این دو کشور در منبع اصلی مالی عراق اند و همین امر خود سبب لا گرفتار شدن هر چه بیشتر در این جنگ شده است.

در تابستان گذشته شا هد پیشرفت تازه نیروی هوایی عراق بود که حملات خود را به نفتکش های عظیم در جزیره خارک با یورش به پایانه اصلی خارک همراه کرد. از نیمه دوم ماه اوت تا پایان نوامبر ۱۹۸۵ این حملات ۴۵ بار تکرار شد. با وجود آنکه در کار صادرات نفت اختلال هائی بوجود آمده بود اما جمهوری اسلامی در آن زمان توانست صادرات خود را در حد ۱/۶ میلیون بشکه در روز نگه دارد. در سال ۱۹۸۶ نیز، یورش های هوایی عراق به جزیره خارک تقریباً با همان روند گذشته تکرار شده اند. در این میان دار و رنهایی عراق به نفتکش های که میان جزیره خارک و سیر - که مرکز با رگیری نفت خام ایران است - حرکت می کنند، گسترش یافته است. در عوض ایران نیز از کشتی های که از پایانه های عربستان سعودی و کویت می آیند بسختی انتقام می ستاند.

در سال جاری دست کم ۶۳ حمله هوایی به نفتکش های رخ داده است که مسئولیت دوسوم آن ها با عراق بوده است. و این در برابر ۴۵ بار حمله در سال ۱۹۸۵ و ۴۰ بار حمله در سال ۱۹۸۴ است که بر طبق آمار وزارت دریا نوردی ایالات متحده گزارش شده است.

عراق، در اوائل ژوئیه امسال و شش هفته پس از فتح شهر مهران آن را از دست داد. اما به دنبال آن و در همان ماه مرحله تازه ای را در شیوه حملات هوایی خود به کشتی های نفتکش در پیش گرفت. از ۲۲ ژوئیه عراق به یک سلسله یورش های هوایی دست زد که حدود یک ماه به طول انجامید. آری تریون ضربه، بمباران جزیره سیری در ۱۲ اوت بود که ایران را واداشت تا تجهیزات با رگیری نفت خام خود را به جزیره لارک که ۲۴۰

کیلومتر دورتر از جزیره سیری است، عقب بکشانند. بر اثر حملات هوایی مکرر به خارک از ۱۳ جایگاه پهلویی کشتی آن تنها سه جایگاه برج مانده است. همچنین پالایشگاه های اصفهان و تبریز بمباران شدند. که به پالایشگاه اصفهان خسارات مهمی وارد آمد. کارخانه فولاد سازی اصفهان، یک نیروگاه برق و کارخانه های آلومینیوم و سیمان در اراک، یک کارخانه اسلحه سازی در جنوب تهران و یک کارخانه کاغذ سازی در نزدیکی دزفول نیز از میان رفتند. هوایی عراق در امان نماندند. این همه را می توان نشانه نومیستی و به جان آمدن روز افزون عراق نیسیز دانست. فراخوان اخیر رئیس جمهوری عراق به پایان دادن به جنگ بر اساس پیشنهاد های قبلی بغداد - یعنی: بیرون کشیدن متقابل نیروها از خاک دو کشور، عقد پیمان عدم مداخله در امور داخلی هریک از دو کشور، و مبادله کامل اسیران جنگی به نظر جمهوری اسلامی افسانه کننده ضعف عراق است. و با وجود آنکه هنوز عده کمیستیزی از عراقی ها - سوا ی کردهای خود مختاری طلب سخت معتقدند که ایران را باید در تنگنا قرار داد چرا که شش سال جنگ، ۱۰۰ هزار کشته و ۱۵۰ هزار مجروح و اسیر جنگی خود کما یست از قربانیان فراوان می کند، اما کسانی که اخیراً از عراق دیدار کرده اند نیز مطلقاً عراقی بر تزلزل روحیه عراقی ها اذعان دارند.

### تجهیزات تازه جمهوری اسلامی

علی رغم وعده های مکرر رهبری جمهوری اسلامی که پایی ن سال جاری ایرانی (برابر با ۲۰ مارس ۱۹۸۷) را سال تعیین سرنوشت دو کشور می دانند، اما هیچ دلیل قاطعی برای آنکه این کشور همه نیروی انسانی خود را وارد معرکه سازد، وجود ندارد. در فوریه سال ۱۹۸۴ ایران برای یک "حمله نالی" با ۲۵۰ هزار سربا زوارد کارزار شد. اما این عملیات انتظار ری را که از آن می رفت بر نیاید و به هیچ پیروزی نظامی منجر نشد.

اخیراً "تلیحات دا منتهاری برای تغییر دادن توکعات و انتظارات مردم ایران انجام می گیرد. مثلاً آیت الله خمینی حدود یک ماه پیش گفت: "ضربه مهلک می تواند نتایج یک ضربه باشد، و می تواند هم نباشد. می تواند در دو ضربه، سه ضربه یا چهار ضربه انجام گیرد".

با در نظر گرفتن این واقعیت که عراق از حیث تسلیحات و نیروی دفاعی برای برتری دارد، فرماندهی نظامی باید در فرمان های خود دقت فراوان بکار بندد. تدارکات تسلیحاتی ایران نیز بنظر می رسد که اخیراً "گسترش یافته است گفته می شود که ایران محموله های اسلحه و از جمله موشک از چین دریافت کرده است. بطوری که کارشناسان امریکائی از امکان تعادل نیروها در جنگ نیسیز سخن می گویند. جمهوری اسلامی اخیراً یک دو جین یا بیشتر هوا پیمای جی - ۷ - اس دریافت کرده است که مشابه چینی میگ ۲۱ است، و هر چند هوا پیمایی است که نه اما می تواند برای نیروهای زمینی کمک با ارزشی باشد.

کره شمالی نیز اخیراً "محمولاتی برای ایران فرستاده است تا اتحاد شوروی همه نفوذ خود را در تهران از دست ندهد. در عین حال ایران زیر فشار رجبر اقتصادی ناگزیر از پایی ن دادن به جنگ به نحوی رضایت بخش است. به گونه ای که دست به جدا قل هدف های پیش دست یافته باشد. از گفتار رفسنجانی در ماه ژوئن نیسیز همین معنی برمی آید: "راه حسل مناسب آنست که ما طوری حرکت کنیم که که پیش از آنکه زیر فشار های اقتصادی برویم، جنگ را پیروزمانده به پایی ن رسانیم". همین فشارها بود که به تصمیم ابتکاری ایران در کشف رانس اوپک در زنون انجام مید که بنا بر آن نفت اقدام کرد. و بر اثر آن قیمت نفت تا بشکه ای ۵ دلار بالا رفت.

تشدید حملات هوایی عراق به کشتی های جمهوری اسلامی در خلیج فارس سبب شد



## بازگشت دودانشجوی عراقی

فوزی حمزه و محمدخیرالدین دودانشجوی عراقی که حدود هشت ماه پیش از فرانسه به عراق اخراج شده بودند عصر روز جمعه ۲۶ سپتامبر به پاریس برگشتند.

فوزی حمزه در یک کنفرانس مطبوعاتی که در فرودگاه اورلی پاریس برگزار شد از دولت و ملت فرانسه تشکر کرد و گفت از این که برای ادامه تحصیل به فرانسه بازگشته است خوشحال است.

وی در پاسخ به سئوالاتی در مورد اخراجش از فرانسه گفت: دولت فرانسه در این میان اشتباهی نکرده است، بلکه وضع و احوال باعث چنین پیش آمدی شد، من کینه ای از کسی در دل ندارم و همین که موفق به دریافت روادید و ورود به فرانسه شده ام نشان می دهد که دولت فرانسه اقدامات لازم را انجام داده است.

محمدخیرالدین نیز به خبرنگاران گفت: " دوره اقامت من در عراق کاملاً عادی بود و دولت عراق تسهیلات لازم را برای بازگشت من به فرانسه فراهم کرد. وی افزود: " ما از ۶ ماه پیش گذرنامه های خود را گرفته بودیم و از آن زمان آزاد بودیم که از عراق خارج شویم." دودانشجوی عراقی که حزب الدعوة و گروه تروریستی جهاد اسلامی خواستار بازگشت آنان به فرانسه بودند، اوایل سیال جاری، طی مصاحبه ای در تلویزیون بغداد، جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات آدم ربائی در بیروت را بشدت محکوم کردند.

### هماهنگی بی سابقه بازار مشترک

#### بقیه از صفحه ۱ در مجارزه با تروریسم

بنا بر گزارش منابع امنیتی انگلستان، این اطلاعات به همه نیروهای پلیس کشورهای عضو بازار مشترک فرستاده خواهد شد.

نام بسیاری از خطرناک ترین رهبران تروریست عرب، از جمله ابوعباس رهبر جبهه آزادیبخش فلسطین، که در تابستان گذشته در ربودن کشتی آکیله لاورا، شرکت داشت، و قاتلان کوه که به گروه قشری ابونضال تعلق دارند، در این لیست گنجانده شده است. نام شخص ابونضال نیز در لیست آمده است هرچند که وی هرگز توسط هیچ سرویس امنیتی در اروپا دیده نشده است.

برای اجرای تصمیماتی که در جلسه وزیران کشور عضو بازار مشترک گرفته شده است، مسئولان پلیس هر یک از این کشورها برای انجام ملاقات دیگری در لندن گرد خواهند آمد.

این ملاقات هفته آینده صورت خواهد گرفت. از آنجا که ورزیده ترین افراد پلیس در امور مربوط به مقابله با تروریسم به اینتلیجنس سرویس تعلق دارد، کارشناسان سرویس های امنیتی واسکا تلندیا رد با همکاری خود از دیگر کشورهای بازار مشترک ملاقات خواهند کرد و تجربه ها و مهارت های فنی و اطلاعاتی خود را در اختیار آنان خواهند گذاشت.

تا بمز لندن - ۲۷ سپتامبر ۸۶

## دادگاه لاهه و سپرده های ایران

به نوشته روزنامه آمریکا نیویورک تایمز، دادگاه بین المللی ایران و آمریکا در لاهه حکم داده است که مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به ایران مسترد شود. بر اساس تشخیص دادگاه لاهه، در ماجرای گروگانگیری وضبط سپرده های ایران در بانک های آمریکا، مبلغ ۳۶۰ میلیون دلار از ایران اضافه بهره دریافت شد، که این مبلغ و بهره آن طی این مدت، بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار می شود.

طبق گزارش نیویورک تایمز، حکم دادگاه لاهه، در تاریخ بیستم ماه اوت، گذشته ما درگردد، اما ایالات متحده آمریکا هنوز این مبلغ را مسترد ناساخته و سعی دارد ما می که کلیه اختلافات مالی ایران و آمریکا در دادگاه لاهه حل و فصل نشود، این مبلغ و اصل سرمایه های ضبط شده را نزد خود نگه دارد، که این امر ممکن است ۵ سال دیگر بطول انجامد.

## اسقف کاپوچی در پاریس

بنا به گزارش خبرگزاری ها، بدنبال موج سوءتصدای خونین پاریس، اسقف هیلاریون کاپوچی، رهبر کلیسای یونانی های کاتولیک بیت المقدس برای میانجیگری میان مقامات فرانسوی و پاره ای پایتخت های غربی و میانه وارد فرانسه شده است.

خبرگزاری فرانسه بنقل از محافظ آگاه عربی در پاریس می نویسد: در پی نخستین دور گفتگوهای اسقف کاپوچی با مسئولان فرانسوی، قرار بر آن شده است که احتمالاً یکی از بلندپایگان دولت شیراک به دمشق سفر کنند.

اسقف هیلاریون کاپوچی، رهبر کلیسای یونانی های کاتولیک بیت المقدس، که از سال ۱۹۷۹ در دردمرتبعید سیرمی برد، بخاطر همکاری هایش با سازمان آزادی بخش فلسطین یک بار در اسرائیل بازداشت و زندانی شده، مجبور به مهاجرت به مقرواتیان گردید. وی که از دوستان نزدیک رئیس جمهوری سوریه حافظ اسد بشمار می رود، در اغلب منازعات مهم خاورمیانه، نقش میانجی داشته و در ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران نیز فعالیت انسان دوستانه ای برعهده گرفته بوده است. از جمله، پس از شکست عملیات آمریکا در طیس، که به کشته شدن هشت سرباز آمریکایی منجر گردید، اسقف کاپوچی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را متقاعد ساخت تا اجساد کشته شدگان را از طریق صلیب سرخ جهانی، به دولت آمریکا مسترد کنند. وی چندین بار با خمینی مذاکرات خصوصی داشته است.

به نوشته خبرگزاری فرانسه، اسقف کاپوچی در فروردین ماه ۱۳۶۴ در آزادی رئیس مرکز فرهنگی فرانسه در بیروت، سیدنه پورل که توسط آدم ربایان به گروگان گرفته شده بود، سه عمده ادا شده است.



## وخامت روابط تهران آنکارا

گرفت. این خود آیت الله خمینی بود که در سخنرانی ای گفت: " قابل قبول نیست که خدا به بندگانش خود اجازه دهد که از آتاتورک اطاعت کنند. آتاتورک به اسلام اعتقاد داشت، به خدا هم اعتقاد نداشت. لیکن آنکارا به خون سردی اعلامیه ای صادر کرد و در آن گفت که ترکیه در امور داخلی همسایگان خود مداخله نمی کند و از همسایگان نیز انتظار ندارد."

ناظران سیاسی در استانبول، ایمن برخا شگری ملاح را از آنجا می دانند که ترکیه از چندین پیش، بی آنکه هیاهویی برپا کند، از چند گروه مخالف خمینی حمایت می کند (۰۰۰).

استانبول به صورت میعادگاهی برای ایرانیان در آمده است. روزنامه نگاران ترکیه تعداد ایرانیان مقیم استانبول را به ۲۰ هزار تخمین می زنند. برخی گروهها با یکدیگر زده و خورد دارند. این زده و خوردها کشته نیز داده است. اما همه ایرانیان پناهنده نیستند. بسیاری شان، از قراما، مسوران و جاسوران رژیم خمینی هستند که دستور دارند مداخله در دسرافرین رژیم را سر به نیست کنند.

به تازگی سه ایرانی، از جمله یک دختر جوان، در فرودگاه استانبول بازداشت شدند. اینان اسلحه و بمب های دست ساز در جمان هایشان داشتند. از این گذشته مقام های تحقیق سرگرم ردیابی حملات خونینی هستند که با اسلحه رابطه های ایرانی به کنیسه استانبول صورت گرفت.

با این همه ترک ها آشکارا مراقب اند که رژیم بی مسئولیت خمینی را بیش از حد تحریک نکنند. در آنکارا این نگرانی وجود دارد که تهران، در صورت وخامت مناسبات با آنکارا، کردها را به شورشی که بهتر است زان یافته باشد، برانگیزد.

دی ولت - ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶

**رادیو محلی نهضت و اشنگتن**  
 رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران ناخدی و اشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداخله موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.I.

و حیدر خلفا و غلو وزیر امور خارجه ترکیه در برابرحلیه ملاح با خونسردی دیپلماتیک واکنش نشان داد: جمهوری اسلامی خیلی دیر به وزارت امور خارجه ترکیه خبر داد که هواپیمای " ایران ار " که میبایست خلفا و غلو را به تهران ببرد، با تاخیر ۲۴ ساعت به استانبول خواهد رسید. با این همه وزیر خارجه ترکیه سفر خود را لغو نکرد. زیرا ترک ها فعلاً درصد آن هستند مناسبات خود را با رژیم تهران، این همسایه ناآرام، عادی سازند. این مناسبات چندی است که رو به راه نیست.

گذشت آن روزگاری که تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه، هیئت های بازرگانی خود را به سلام نزد ملاح می فرستاد تا آئین ادب بجا آورند، پس از دو سال رونق صادرات، جمهوری اسلامی دیگر بضاغت آن را ندارد که صورت حسابهای را بپردازد، و اکنون در فهرست مشتربهای خارجی بازرگانی ترکیه فقط در رده چهارم قرار دارد.

نیز قرار می که ترک های لائیک و بنیادگرا اسلامی گذاشته بودند که تضادهای سیاسی - عقیدتی خود را کنار بگذارند، دیگر به قوت خود باقی نیست: از یک سو ترک ها به تازگی مدام دلایل بیشتری بدست می آورند که ملاح به فرقه های گوناگون اسلامی که مانند قرق در زمین آنها تولی روئیده اند، پول و نشریه های تبلیغاتی می رسانند. از سوی دیگر رژیم خمینی با ورنمی کند که ترکیه در جنگ خلیج فارس همچنان بی طرف باشد.

در اواسط ماه اوت، هنگامی که نیروی هوایی ترکیه با موافقت بغداد به بمباران مواضع کردها در شمال عراق پرداخت، حکومت ملاح ترک ها را مورد انتقاد شدید قرار داد. تهران، به لحنی که به تمام حجت شبیه بود، از آنکارا خواست که از حملات به جراتی طلبان کرد دست بردارد، زیرا بیمباران ها باعث پشتگرمی عراق خواهد گردید. ملاح کردهای عراق را در جنگ شش ساله با عراق، به نوعی همپیمان خود می شمارد، از این رو رژیم تهران - به عکس عراق - تاکنون اجازه نداد که است که آنکارا را چریکهای کردها در داخل خاک ایران تعقیب کند.

پیش از آن که خلفا و غلو رهسپار تهران شود، بنیادگزار ترکیه جدید، کمال آتاتورک نیز مورد حمله تهران قرار

## بور، ابرش، سیه چشم و پولاد سُم

# رخش رخشنده

## فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

بشرا مروزی ، برا همیت فوق العاده اسب ، و تاء شیری که این چارپای نجیب هوشمند و وفادار در زندگی گذشته و در اشته است چندان آگاه نیست ، چه امروز اسب به صورت وسیله ای برای مسابقه ، یا گردش های تفریحی در جنگل ها و نقاط خوش آب و هوا درآمده است . برای نشان دادن میزان تاء شیر این جانور در زندگی آدمی کافی است به یاد داشته باشیم که تا یک قرن پیش یعنی پیش از اختراع وسایل نقلیه مکانیکی سوختی ، بزرگ ترین سرعتی که نوع بشر در زندگی خود دیده بود کم و بیش در حدود ساعتی چهل کیلومتر بود و این سرعت "حد" فقط به وسیله اسب های رونده ای که در فصول نسبتاً کوتاه ( ۱۲ کیلومتر ) عوض می شدند تاء میسن می شد .

نیز اسب ، همراه هم نفس و یاریگر و گاه هماره بی بخش و نجات دهنده مردان نبرد بوده است و شواهد این امر ، نه تنها در افسانه ها و داستان های حماسی کهحتسـی در فیلم های وسترن و داستان های گاداران و گاوچرانسان آمریکا و نیز نعلکاس یافته است . از این مسائل گذشته ، یکی از قوانین کلی داستان های حماسی ، و یکی از شرایط تخلص پذیر پهلوان حماسه داشتن مرکبی خاص است که از دیگر اسب ها به قوت و سرعت و هوشمندی ممتاز است و از راهی غیر عادی به دست پهلوان می رسد و این ، قانون عام تمام حماسه ها است . در واقع وقتی پهلوان حماسی دیده به دنیا می کشاید ، مرکبی نیز ، که با بدبوی ل و گرز و کوبال پهلوانی او را بکشد و پهلوان را در دست تیز و آویزمدک را بشدنیز ، در همان زمان پدید می آید . گاه نیز مانند آنچه در سرگذشت پهلوانی جزیه آمده است ، اسب سواری او ، از ماورای قرون و اعما ربه دستش می رسد : جنگی اسحاق نبی در باغی محصور و بی در قرن ها می چوپیده تا سرانجام روزی گذار حرمه بدان جا افتاده و آن اسب را تصاحب کرده است .

حماسه ملی ما شاهنامه ، و بزرگ ترین پهلوان حماسی رستم است . آنچه شایسته بعضی خوانندگان نگرامی ما روشن نباشد این است که روش و منش ، و کار و کردار بسیاری از پهلوانان داستان های حماسی بعدی ، و حتی اخلاق و صفات و تدبیرهای بسیاری از پهلوانان و شخصیت های خود شاهنامه تقلیدی از روشها و کارهای رستم است ، و همان گونه که شاهنامه سرچشمه و نخستین منبع و منشأ بسیاری از رزبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی است ، رستم نیز پیرو پیشگام همه پهلوانان ایرانی است و تمام دلیران افسانه و تاریخ و حماسه قدم در جای پای وی می نهند . اما نکته بسیار جالب توجه این است که اگر رستم مظهر و سرمشق و نموننده پهلوان ایرانی است ، مرکب وی ، رخس رخسندیده ، معروف ترین اسب در سراسر تاریخ و ادب ایران نیز مظهر هوش ، دلیری ، زورمندی ، فداکاری و یاری به سوار خویش است و در حقیقت می توان او را یکی از شخصیت های حماسه ملی ایران شمرد ، و در این زمینه با آن کسب اسب های نامی در ادب فارسی کم نیستند ، هیچ مرکبی قابل مقایسه با رخس نیست . در این گفتار سرگذشت رخس را از آغاز تا پایان ، به روایت شاهنامه در عطا لعمه می گیریم :

رستم هنوز جوانی اندک سال است چندان که پدر وقت می با در خواست وی برای رفتن به میدان جنگ روبرومی شود بدو چنین پاسخ می دهد : هنوز از بلت شیربویید همی دلت تا زو شادی بجوید همی چگونه فرستم به دشت نبرد تور پیش شیران پرکین و دردد ؟ رستم در پاسخ پدر پس از یادآوری برخی از کارهای پهلوانی خویش چنین گوید : چنین یال و این جنگ های دراز نه والا بکود پرویریدن به ناز اگر دشت کین آمد و جنگ سخت بود یاریزدان و پیروز ، بخت ببینی که در جنگ من چون شوم جو اندر صف ریش خون شوم یکی ابر دارم به چنگ اندرون که هرنگ آب است و با رانش ، خون آنگاه در باره سلاح ها و لوازمی که او را درخور است : گرز گران و اسبی تیز که سخن ساز می کند ؛ یکی با ره ( = اسب ) با بدچوکوه بلند چنان چون من آرام به خم کند که زور مرا تابدارد به جنگ شتابش تبا شده جای درنگ یکی گرزخواهم چو یک لخت کوه گرز آید به پیشم ز توران گروه سرانشان بگویم بدان گرزبیر

نیاید برم هیچ پرخاشخبر ... زال گزری از پدر خویش سام سوار به یادگار داشت و ؛ بفرمودگان گرزسام سوار که کردی به ما زندران کارزار بیاریدی پهلوان ( = پهلوان ) نامدار بر آن تا بر آرد دشمن دمار زگرشا سپه مانده بُد یادگار پدر تا پدرت به سام سوار تهمتن جوگرزنی را بدیدد دلب کرد خندان و شادی گزید یکی آفرین خواند بر زال زر که ای پهلوان جهان سربسز یکی اسب خواهم کجا ( = که ) گزمن کشدبا چنین فرّه و برزمین رستم با زال برای گزیدن اسب پیش گله اسبان ، که تمام اسبان زابلی و برخی اسب های گابل را در خود داشت ، رفتند . اسبان یگایک از پیش رستم می گذشتند . وی داغ اسبان را می خواند ( تا بداننده مالک آن کیست ) و هراسی که نظرش را می گرفت پیش می کشید و دستی بسر پشت او می نهاد ؛ هراسی که رستم کشید پیش به پشتش بکشا زدی دست خویش ز نیروی او پشت کردی به خم نهادی به روی زمین بر شکم رستم از بی اسبان را پیش کشید و دست بر پشتش فشرده و آنان شکم بر زمین نهادند ، به تنگ آمدوا زیافتسین اسب خویش نمودند تا آن که ؛ یکی مادیان تیز بگذشت خنگ

برش چون بر شیر و کوتاه رنگ دو گوشش چو دو خنجر آبدار برویال ، فریه - میانش ، نزار یکی کره ازیس ، به بالای ( = بلندی ) او سرین و بکش ، هم به پهنای او سیه چشم و بورا برش و گاودم سیه خایه و تند و پولاد سُم تنش پرنکار از گران تا گران چو داغ گل سرخ بر زعفران چه بر آب بودی ، چه بر خشک راه پی مورچه بر بلائ سیاه شب تیره دیدی دوفر سنگ راه به نیروی بیلب و به بالا هیون به زهره جوشیر که بیستون جورستم بدان مادیان بنگرید مرآن کره - پیلتن را بدید کمند کیانی همی داد خم که آن کره را با زکیبرد زرم ... چوپان بپر که رستم را آماده گزفتن آن کره اسب سرافرا زو بر میندوزید دید ، بدو هشدار داد و گفست : ای مهتر ، اسب کسان را چرا می گیری ؟ از همین جا ست که غیر عادی بودن وضع این کره آشکار می شود . رستم می پرسد این اسب از کیست ، چون بر هیچ یک از دوران اوداغی دیده نمی شود ؛ چنین داد پاسخ که داغش مجوی کز این هست هرگونه ای گفتگوی همی رخس خوانیم و بورا برش است به خوبی چو آب و به رنگ آتش است خداوند این را ندانیم کس همی رخس رستمش خوانیم و بسن سخن فردوسی اسرار آمیز است . مادیانی سفید رنگ ، کره ای بور ( = سرخ ) ابرش ( دارای نقطه های کوچک و خال هایی مخالف رنگ اصلی بر روی پوست ) دارد . این کره ، ( وظاهر " مادرش ) از آن هیچ کس نیست و متصدی گله اسبان آن را " رخس رستم " می خوانند . باقی داستان این مادیان و کره اسرار آمیز را هم از دهان گله بان بشنوید ؛ سه سال است تا این به زمین آمده است ( = قابل سواری شده است ) به چشم بزرگان ، گزین آمده است جو ما درش ببیند کمند و سوار چو شیر اندر آید کندکارزار ندانیم ، ای پهلوان جهان چرا زادت با این همان در نهان بهره توتو ، ای هشیوار امرد به گرد چنین اژدها بر ، مگرد که این مادیان چون در آید به جنگ بذر دلدل شیر و جرم پلنگ

باقی داستان روشن است ؛ اسب از رستم ، و نا مزر سواری اوست . وی پیش می آید و با زدن مشت بر سر گردن مادیان او را به کناری می افکند و گردن کتره را در کمند کیانی می آورد و پیش می کشد و ؛

بیا زید جنگال گردی به زور بیفشرد یک دست بر پشت بپوشد بپوشد یک دست بر پشت بپوشد نی توگفتی ندارد همی آگهی رستم ، با شادمانی یقین می کند که اسب خاص خویش را به دست آورده است . بروی سوار می شود و نزدیک گله بان می آید ؛ ز چوپان بپرسید کاین اژدها به چنداست و این را که داند بدبا چنین داد پاسخ که گر رستمی برو راست کن روی ایران زمی ( = زمین ) مر این را ، برو بروم ایران بهاست برای بر ، تو خواهی جهان کرد راست ... این رخس در قوت و قدرت تا به حدی است که با شیر زیان پنجه می زند . اصلاً خان نخست از هفت خان رستم داستان شیرکشتن رخس است و این ، بیستی چنداست از آن ؛

چو یک پاس بگذشت درنده شیر به سوی گنام خود آمد دلیر بهی بر ، یکی پیلتن خفته دید برای یکی اسب آشفته دید نخست اسب را - گفت - با آید شکست چو خواه ، خود آید سوارم به دست سوی رخس رخشان بیامد دمان چو آتش بجوشید رخس آن زمان دودست اندر آوردوزد بر سرش همی تیز دندان به پشت اندرش همی زدش بر خاک ، تا باره کرد ددی را ، بدان چاره ، بی چاره کرد البته رستم از این شیرکشتن رخس چندان شادمان نشد ؛ چنین گفت با رخس کای هوشیار که گفتت که با شیرکن کارزار ؟ اگر توشدی کشته بردست او من این بیرو این مفرجنگ جوی چگونه کشیدم به ما زندران ؟ کمندر کمان ، تیغ و گرز گران رخس که چون موجودی هوشمندتر می گفته های خداوند و سوار خویش را در می یا بدو به کار می بندد ، در خان سوم وقتی اژدها پدیدار می شود می کوشد رستم را بیدار کند . اما تا وقتی پهلوان بیدار نشود اژدها گریخته است . دوبار این کار تکرار می شود ، رستم بیدار می شود و هیچ نمی بیند . رخس نیز زبانه در دهان جارا با زگوید ، رستم خشمگین و خواب ناکرده ؛ بدان مهربان رخس بیدار رکفت که تا ریکسی شب نخواهی نففت ؟ سرم راهمی با ز داری ز خواب به بیداری من گرفتت شتاب گراین با رسا زی چنین رستخیز سرت را بپریم به شمشیر تیز پیاده شوم سوی ما زندران کشم بخود و شمشیر و گرز گران و به دنبال آن ادا می دهد که من تو را گفتم اگر شیری به جنگ تو آمد ، خود با او جنگ کن ، نه این که شب تا صبح خواب را بر من حرام کنی . از این پس بر جای خود باش تا من از خواب برخیزم . رستم به خواب رفت و اژدها با رسوم پدیدار شد . رخس جرات نمی کرد نزد پهلوان بیاید . هم از رستم می ترسید و هم از اژدها بیم داشت . سرانجام ؛

هم از مهر مهر ، دلش نارمید ( = نیا رامید ) چو بار دمان پیش رستم رسید خروشید و جوشید و بر کند خاک ز نعلش زمین شد همه چاک چاک چو بیدار شد رستم از خواب خوش برآشفته با باره دست کش اما لطف خدا با رستم و رخس بود که این با رخس است جهان آفرین چنان بود که زمین اژدها را پنهان نکند . رستم در آن تیرگی او را ببید و به سویش شتافت و اژدها که وی را بدو بیست به صورت اژدها درآمده ، رخس درنبرد رستم و اژدها به کناری می ایستد . اما شاه هده می کشد که اژدها سخت نیر و مند است ؛ بدان سان بیا و یخت با پیلتن توگفتی به رستم در آمد شکن چو زورتن اژدها دید رخس کزان سان برآویخت با تاج بخش بما لید گوش و در آمد شکفت بکندا زدها را به دندان دوگفت ( یکتف )

بقیه در صفحه ۱۰



### نامه‌ها و نظرها



باب تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و سرافرازی‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نیست. مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا در ویرایش نامه‌ها نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

### راز چاپ‌های دوم و سوم روزنامه‌های جمهوری اسلامی

با عرض سلام مدتی از خانه‌ورزندگی دور بودم یعنی به ایران رفته بودم تا مادرم، بستگان و دوستانم را و همشهری‌ها و بالاخره وطن را ببینم. نزدیک بود بنویسم: "جای شما خالی به ایران رفته بودم" اما جا‌هایی که رفتم و اوضاعی که دیدم آنچنان تشویق‌کننده نبودند که جای کسی را هم بتوان خالی کرد. واقعیت این است که مردم به‌گرازی و نایابی کالاهای موردنیاز عادت می‌کنند و خنده‌ها از روی چهره‌ها کم‌زایل می‌شود. نگرانی‌ها و گرفتاری‌های گوناگون نویسنده‌های این روزنامه‌ها را در مردم ایجاد کرده که زلزال همه‌جانبه‌ای در دنیای مهربانی و صفای میهنمان نوازی‌شان به‌راحتی می‌توان کشف کرد. می‌خواستم برای شما نقش خبرنگار را بازی بکنم، ولی می‌بینم تمام جزئیات جلوی مننه یا پشت‌پرده را از منابع گوناگون به‌دست می‌آورید و در "قیام ایران" می‌نویسید. یا دداشت‌های من تکرار مکررات خواهد بود. در ایران، خیلی تعجب کردم وقتی دیدم "کیهان" معادله شده‌گاه به چاپ‌های دوم و سوم، به‌خصوص پنجشنبه‌ها، می‌رسد و حتی بعضی از سادگان آن را حمل بر زبانی تعداد

### یک ماده قانونی خطرناک

اکثر ملیون خواهان برقراری یک نظام مشروطه‌سلطنتی در ایران هستند و مدعی‌اند که برقراری حاکمیت ملی با رعایت اصول قانون اساسی مشروطه میسر خواهد شد. قانون اساسی مشروطه می‌تواند پشتوانه دمکراسی و حاکمیت ملی ایران باشد مشروط بر اینکه اصل دوم متمم قانون اساسی حذف بشود. این اصل در حقیقت روح ارتجاعی و ولایت‌فقیه را در شکم قانون اساسی مشروطه ایران قسار داده است. شاید این گفته من برای خیلی از هموطنان عجیب و غیرقابل‌باور باشد ولی اصل دوم متمم قانون اساسی اعلام می‌دارد که باید هیئت مرکب از پنج نفر آخوند که "مطلع از مقتضیات زمان" هستند تشکیل شود تا مواد مسود تصویب مجلس را مورد بررسی قرار دهند و آن‌ها را اگر مخالف با قوانین اسلام تشخیص دهند رد کنند تا جنبه قانونیت پیدا نکنند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید این اصل همان اصل ولایت‌فقیه است که با کمال مودی گری بدست یک مشت آخوند مرتجع متمم قانون اساسی مشروطه شده است. در تمام دمکراسی‌های غربی به روحانیون اجازه دخالت در ادارات کشور داده نمی‌شود. بنظر اینجانب باید یکی از اهداف ملیون حذف کردن این اصل گذاشتی باشد، مضافاً "منطقی است که اصلی جدید به قانون اساسی مشروطه اضافه شود که صریحاً اعلام دارد که اصول مذهب نباید ملاک اداره و وضع قوانین کشوری باشند. با احترام - آمریکا بهزاد عظیمی

### دردهای التیام ناپذیر

خوشبختانه یک ایرانی‌ام، با عواطف پاک ایران، با بوی امواج دریای شمال و گرمای دشت‌های جنوب، اشعار حافظ و مولانا را زمزمه می‌کنم زیرا حافظ با غزلیاتش مرا از سرمای غربت نجات می‌دهد. من انسانی هستم با یک دنیا عاطفه دلم حتی برای گل‌هایی که سرمان می‌گذارد باز شود می‌سوزد. من گریه‌ام می‌گیرد وقتی می‌بینم یک نفر که من حتی اسمش را نمی‌دانم با خودش مبارزه می‌کند که غربت را تحمل کند و زنده بماند... آیا این سزای وطن دوستی ماست؟ مادام‌هایی که عاشقانه‌پرسی هستیم و دیوانه‌وار خاک‌پداری را دوست داریم، خاکی که حالا در دست خونخوارترین مرد تاریخ دنیاست... ولی با تمام این‌ها هنوز ایرانی هستیم، پناهنده‌هایی با قلب‌های تپنده و عاشق، با دردهایی که نمی‌دانیم به چه کسی بگوئیم و از چه کسی استمداد بخواهیم، به‌پشت‌سرمان نگاه می‌کنیم، به‌راهی که اجباراً از آن گذشتیم، از جاده‌ای که ما را به غربت و آوارگی نشاند. آیا یک روز همین جاده را از اینسو درخواهیم نوردیم به ایرانی برسیم که در قلب ما و در رویای ما مانده است. من ناشناسی هستم با یک دنیا محبت که دلم می‌خواهد فریادم به همه گوش‌ها برسد، به گوش تمام آن‌ها که ایرانی هستند و خون پاک ایرانی در رگ‌هایشان جریان دارد، نه آن‌ها که تظا هر به ایرانی بودن می‌کنند. چاپ‌کننده‌ها همه بیدارند، ما پناهنده هستیم ولی نه بخاطر فرار از خاک... بلکه برای گریز از دردهایی که کمرمان را شکست.

سوئد - لیلی

### سید حسینی

در ایران تا بود ملا مفتی به‌روزیدتر از این هم بیفتی. در شماره ۱۶۷ قیام ایران، در مقالات مسلسل آقای فواد روحانی با حیضرت بسیار متوجه شدم که سید ابوالقاسم کاشانی در حکومت مصدق، رئیس مجلس شورای ملی بود. هضم این موضوع برایم دشوار است که چرا از میان سیاستمداران آن دوره، شخصی مثل کاشانی به ریاست مجلس رسید. گمان می‌کنم، مخالفان مصدق که از همان روزهای به اصطلاح دوستی و همراهی این آخوند با مصدق می‌دانستند که "آیت‌الله" بالاخره زهرش را خواهد ریخت و او را به ریاست مجلس برگزیدند. با مطالعه این سلسله مقالات سودمند و تحقیقی بسیار دیگر، بردباری و متانت و آزادی‌دگی دکتر مصدق مورد تحسین قرار می‌گیرد که در آن دوره پر آشوب که هر مخالفی حقیق

داشت صدایش را بلند کند و هر کجا مشان هم‌ساز می‌زند، این مرد بزرگ با سه صد و آزادمنشی، همه این جنجال‌ها را تحمل می‌کرد. اما به قوه قهریه و سانسور و از نفس انداختن مخالفان توسط نمی‌جست.

نسل‌های گذشته ایران اگر کاشانی آخوند را به درستی نمی‌شناختند امروز با به قدرت رسیدن آیت‌الله خمینی دیگر می‌دانند که این قشربودن قدرت طلب از چه‌قامتی هستند. تمام دلی نیست که خمینی از کاشانی به احترام یا می‌کند و او را بزرگ می‌داند. هر دو متعلق به قبیل‌های هستند که آزادی و انسانیت و احترام به عقاید مخالف در قامت آنها جای ندارد و چون به قدرت می‌رسند، آزادی را به مسلخ می‌کشند و بر هیچ کس رحم نمی‌کنند. در ماجرای جوئی پانزده خرداد ۱۳۴۲، وقتی از خمینی پرسیدند، چرا شما به سیره آیت‌الله بروجردی رفتار نمی‌کنید، جواب داد: اوسید حسنی است و صلحجو و اهل ممانعت، اما من سید حسینی‌ام و مبارز و آشتی ناپذیر. اینک زمان آن رسیده است که از خمینی بپرسیم اگر برای سید حسینی هستی و به شیوه آن امام مبارز و ضد ظلم رفتار می‌کنی، چرا هیچ یک از بستگان و فرزندان در این جنگ خونین و بی‌هوده شرکت نمی‌کنند. حاج احمد آقا یثرب و روز مشغول دسیسه‌ها و زد و بندهاست و دخالتش در همه معاملات مهم با کشورهای خارجی بر ملا شده است. اما حسین با همه فرزندان و خویشان نزدیک به جنگ با ظلم پرداخت، اما شما آقای خمینی، جز ظلم و بیبیداری آدم‌کشی کار دیگری نکرده‌ای. با احترام - آلمان - یا ورنزاد

### تصحیح اشتباه

در شماره ۱۶۵ قیام ایران متأسفانه اشتباهی در نقل نام وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا روی داده بود که پس از چاپ متوجه آن شدیم: ضمناً آقای کریم روشنیان از آمریکا این اشتباه را یادآوری کرده‌اند. با ابراز متنان از توجه ایشان، متذکر می‌شویم که نام وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا جورج شولتز می‌باشد.

### رادیو ایران ساعت‌های پخش برنامه

برنامه اول  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ روی امواج کورتسبا  
وقت شهران: روی امواج کورتسبا  
ردیف‌های ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۵ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۲۰ کیلوهرتز).  
برنامه دوم  
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسبا  
ردیف‌های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت شهران روی امواج کورتسبا و ردیف‌های ۳۱ متر (فرکانس ۹۶۵ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).







### انفجارهای پاریس

بقیه از صفحه ۱

تمام اسناد جمهوری اسلامی که ما این هفته به چاب آن مبادرت می کنیم در این دفا ترتظیم شده اند. سندی که با ردیف "یکلی سری" بنظر خوانندگان می رسد، نشان می دهد که چگونه شرکت International Management Service شعبه وزارت دفاع بریتانیا قطعات بیدکی تا تک به تهران می فروشد. یک مستشار سفارت آمریکا می گوید: "دولت انگلیس تا وقتی موضوع آفتابی نشده باشد برای معاملات چشم بصرهم می گذارد" بهر حال انگلیسی ها تنها کسانی نیستند که به خمینی اسلحه می فروشند. مثلاً فروشندگان آمریکایی همچنان قطعات بیدکی و موشک های مورد نیاز هواپیماهای ایران را تا همین می کنند و این علیرغم منع فروش اسلحه از جانب دولت آمریکا است. از ۱۹۸۴ وزارت خارجه آمریکا تصمیم گرفته است که در مقابل این وضع عکس العمل شدید نشان دهد و تاکنون ۶ شبکه فروش اسلحه قاچاق از طرف وزارت دادگستری آمریکا مورد تعقیب قرار گرفته اند.

از آن بعد اسرائیل دنباله کار را گرفته است. امروز خلبانان ایرانی در جنگ از موشک های آمریکایی Sidewinder که از طریق یک شرکت بازرگانی اسرائیلی تل آویو به جمهوری اسلامی فروخته شده، استفاده می کنند. با سداوان انقلاب در حملات خود اسلحه های استفاده می کنند که در جنوب لبنان از فلسطینی ها گرفته شده و به واسطه یک شرکت سوییسی مقیم ژنو، بنام Breikoy به تهران فروخته شده است. ایتالیا که اصل تحریم فروش اسلحه را از سال ۱۹۸۱ زیر پا گذاشته است، بخصوص سلاح های مورد نیاز نیروی دریایی ایران را تا همین می کند و در راه های ساحلی، توپ ها، موشک های Sea Killer از طریق ترکیه و لیبی حمل و در بندر خمینی تحویل جمهوری اسلامی میشوند. فرانسه که در عین حال متحد و ولیین تاء مین کننده اسلحه عراق است، بسی سروصدا کار می کند. شرکت Luchoire چند کشتی حامل گلوله های ۱۵۵ میلیمتری توپ به ایران تحویل داده است. آلمان فدرال کامیون های مرسدس بنز و سوئیس توپ های Oerlikon به ایران می فروشد. در عمل تمام کشورهای بزرگ تولید کننده اسلحه به معاملات قاچاق اسلحه با ایران مشغولند و در تلاش اند که جنگ آن را یاری می دهند.

#### نتایج غیر قابل پیش بینی

معلوم نیست در دراز مدت نتایج این معاملات قاچاق کورکورانه چه باشد. امروز، منافع مادی که می برند قابل ملاحظه است زیرا پول اسلحه را نقد

می گیرند و قیمت فروش با نرخ عادی بازار قابل مقایسه نیست. سخنگوی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحداً قرار می کند که: "این سلاح ها برای ما حیاتی است. حتی اگر قیمت هر موشک سه برابر قیمت با زار باشد، ما خریداریم" جمهوری اسلامی تا سال ۱۹۸۵ بهای این خریدها را از ذخیره رزی دوران شاه می پرداخت که در سال ۱۹۷۹ به ۱۵۰ میلیارد دلار رسیده است. در عین حال درآمد نفت که مخصوص صرف خرید اسلحه می شد، سقوط کرده و از ۱۹۸۵ تا امسال، ۵۹ درصد کاهش یافته است. در ماه اوت، در کنفرانس اوپک، هیئت نمایندگی ایران در جبهه نفت موفقیتی حاصل کرد. به این معنی که قیمت هر بشکه در حدود ۱۵ دلار تثبیت شد. برای اولین بار رسمیه تولید عراق بطرز محسوسی محدود شد. اما این امر باعث پر شدن صندوق نشد، رژیم ملیسان در آستانه خفگی مالی است. امروز سرویس های اطلاعاتی متعددی در این امر متفق القولند.

یک افسر عالی رتبه در برابر سئوال ما گفت: "سری انفجارها، که اخیراً در پاریس به وسیله تروریست های وابسته به جمهوری اسلامی صورت گرفته دقیقاً در زمانی اتفاق می افتد که خمینی وسیله دامه جنگ را ندارد. این ها پاریس را مورد حمله قرار می دهند زیرا دولت ایران نزدیک دومیلیار دلار از دولت فرانسه طلبکاری می کند. برای ما، این یک تقارن و تصادف ساده نیست.

#### تتاهایک پرونده: اورودیف

اختلاف مالی بین فرانسه و جمهوری اسلامی در یک پرونده خلاصه می شود: پرونده اورودیف. در ۱۹۷۵ شاه یک میلیارد دلار به فرانسه برای ساختن یک کارخانه غنی کردن اورانیوم، وام داد. در ۱۹۷۹ رژیم جدید تهران همکاری هسته ای با فرانسه را متوقف کرد. امروز تقاضای بازپرداخت اصل وام و بهره آن، یعنی حدود ۱۵۰ میلیارد دلار را دارد. از هنگام آزادی دوگروگان فرانسوی به وسیله جنبش شیعی حزب الله، طرفدار ایران، پاریس و تهران باب مذاکره را گشوده اندولی رسماً هنوز به توافق نرسیده اند. در مرداب های شط العرب، نیروهای جمهوری اسلامی در انتظار فرمان حمله هستند. دومیلیار دلار از اورودیف برابر هزینه دومه هتا جم، و از دید سران جمهوری اسلامی مدت لازم برای درهم شکستن قوای صدام حسین و عملی ساختن نقشه خمینی است که می گوید: "جنگ نعمتی است برای دنیا و برای تمام ملت ها. کشتن کافر یکی از بزرگ ترین مایه موریت های انسان است."

کوتاه شده گزارش اختصاصی فیگارو از: تیپودا رون و فرانسوا ژوزف مارکتی

### بهشت گمشده

#### یافزار از دوزخ

بقیه از صفحه ۱

نویسنده نامه اش را با این پرسش ها ادا می دهد: "این همه متقاضی برای سفر به ترکیه چرا؟ آیا همه این ها از گروه هکهای سیاسی یا افرادی رفا طلب و خوشگذران هستند؟ آیا فکرمی کنید این وضعیت گزینش را نشجو، با ز خرید کردن کارگران کارخانه ها، عدم منیت شغلی در ادارات خیلی ها را به فرار واداشته است؟"

چه نتیجه هایی می توان از نامه این هموطن گرفت؟ نخستین نتیجه اینکه بزرگ ترین بخش این جمعیت از وطن گریخته را دختران و پسران جوان تشکیل می دهند، و نتیجه دیگر اینکه حکومت اسلامی در ایران امروز حالتی بوجود آورده است که جوانان گریختگی و آوارگی در خارج را به ماندن در وطن ترجیح می دهند.

در تاریخ میهن ما، که از لحظه های آشوب و اغتشاش هرگز خالی نبوده، خروجی با این دامنه و با دسابقه ندارد. نبوه مردمی که امروز از ایران به خارج می روند، میل سفر ندارند، بلکه تاب ماندن را از دست داده اند. اینان در جستجوی بهشت گمشده ای نیستند، از دوزخ موجودی گریزند.

جوانانی که پشت گنکور مانده است چه کنند؟ او انتخابی جز این ندارد که یا به جبهه جنگ برود یا از خاک وطن بگریزد. کاری که با شنیدن غمناک با ز خرید شده است، به کدام در بزند؟ توفیقاً نه خود را در انبوه شهرها رها کند، یا آن که بکوشد بخت خود را در خارج از کشور بیاورد؟

خبرهایی که درباره میل به خروج از ایران می رسد، انسان را در حیرت عمیق فرو می برد. حتی کسانی که کار و باری وزندگی بالنسبه روبرو دارند، می گویند که روز به روز تحمل ماندن را بیشتر از دست می دهند. و طرفه اینکه گهگاه آخوندهای دست اندر کار حکومت نیز زندگی در ایران امروز را موافق طبع انسان عادی نمی یابند و این را به زبانی کما بیش گویا ابراز می دارند.

ظرفی می گفت که در ایران امروز همه زندانی هستند، آیت الله خمینی زندانی جماران، آخوندهای زمامدار زندانی کاخ ها با اتوموبیل های ضد گلوله، و ملت زندانی در مرزهای جغرافیایی ایران.

در روزگار پیش از انقلاب، آخوندها جایگاه اجتماعی هم که داشت، دست کم همواره در میان مردم زندگی می کرد. انقلاب اسلامی هر چند که این قشر را به حکومت رساند، ولی در عین حال او را از محیط پیرامون خود جدا کرد و بیرون انداخت. خمینی، برای آن که این جدا ماندگی را خیلی حس نکنند، هفته ای چند روز در جماران بر تخت می نشیند و مردمی که برای دیدار دستچین شده اند، دست دراز شده از آستین کوتاهش را می بوسند و می گذارند.

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین )  
نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

مایلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال  به مدت شش ماه  مبلغ  فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه  به حساب پستی نشریه  خواهد شد. قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ:

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN  
C.C.P. No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte. No: 11624700200

#### توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه هایی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

ولی این محیط ساختگی هرگز نمی تواند جانشین محیط زیست طبیعی سابق بشود. باغ وحش، هر قدر هم که طبیعی آراسته شود، با زهم یک مکان ساختگی است و ساکنان آن هرگز خود را در آن چنان احساس نمی کنند که در جنگل احساس می کردند.

گمان نمی رود تا کنون در تاریخ کشوری پیدا شده باشد که در آن حکومت کنندگان و حکومت شوندگان این قدر از یکدیگر جدا افتاده و بیگانه نبوده باشند. حکومت کنندگان از مردمی گریزند، و مردم از کشور.

تا این حکومت هست، وضع عادی به ایران با زخواهد گشت. برای رسیدن به حالت عادی باید زمین و ویرانه های این حکومت گذشت. نه فقط برای جوانان ما، که برای تمام مردم ایران، پسای حیثیت و شرف و ناموس در میان است. مردم امروز خوب می دانند ریشه بدبختی ملی ما در کجاست. جوانانی که به خارج می گریزند هیچ گناهی ندارند. گناه از رژیم است که جوانان را به فرار از کشور و می دارد. را دیوان ایران

در جلسه ویژه

حزب سوسیال دمکرات انگلستان

بحث درباره حقوق زنان ایران

به دعوت نهضت مقاومت ملی ایسرا ن - شاخه انگلستان، بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۵ سپتامبر به مناسبت تشکیل کنفرانس سالانه حزب سوسیال دمکرات انگلیس یک جلسه اختصاصی در مورد دفاع از حقوق زن در ایران با شرکت عندهای از نمایندگان آن حزب و تعدادی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران تشکیل گردید.

ریاست جلسه را خانم " هیلاری کمبل " معاون کمیته زن در حزب سوسیال دمکرات عهده دار بود. سخنران اول خانم " آن سوفر " عضو هیئت اجرایی حزب سوسیال دمکرات و نویسنده روزنامه " میز مطالب مفصلی درباره پایداری شدن حقوق زن در ایران از زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی بیان نمود و اظهار داشت با بیستی توجه داشتند که باشیم آنچه را که اسلام درباره حقوق زن مقرر داشته جز آن روشی است که خمینی در ایران اعمال می نماید.

سپس آقای عبداله قبادیان عضو هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران در این جلسه سخنران اصلی در باره پایداری شدن حقوق زنان از تاریخ روی کار آمدن رژیم اسلامی بیان و مثال های متعددی ذکر کرد. وی از زنان در دنیا ای غریب خواستار شد. درباره حقوق از بین رفته زنان ایران هراقدا می را که لازم باشد اعمال نمایند.

سخنران دیگر خانم مریم زانمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران، ابتدا به شنوندگان گوشزد کرد که شرکت در چنین جلسهای در ایران جرمش اعدام است و اگر خمینی به شما دسترسی می داشت همه شما را اعدام می کرد. وی گفت آیا اطلاع دارید چون من موهایم را نبوشانده ام اگر در ایران بودم محکوم به ۵۰ ضربه شلاق می شدم؟ وی افزود در ایران امروز زن با مرد فقط در یک مورد تساوی حقوق دارد و آن هم در برابر جرمه اعدام است.

در پایان اضافه می نماید که آقایان آل یاسین و شفیع از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران طی یک ملاقات با خانم " شریلی ویلیامز " رئیس حزب سوسیال دمکرات نقطه نظرهای نهضت مقاومت ملی ایران و همچنین وضع اسفبار زنان ایسرا ن را با وی در میان گذاشتند.

۳ شنبه ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۶

وساطت انگلیس

نشریه کویتی القیس در شماره روز شنبه ۲۷ سپتامبر به نقل از منابع آگاه هفاش ساخت که انگلستان در صدد اعمال اقدامات امنیتی برای حفاظت از کشتی های تجاری خود در آب های خلیج فارس است. به نوشته القیس دولت انگلستان در حال

زبان امام را چه کسی می فهمد؟

بقیه از صفحه ۱

امام هر چند ما هم یکبار ز پرده غیب بیرون می آید، فرمایشاتی می کند و غایب می شود. آن وقت تا ظهور مجدد وی، قیل و قال بر سر اینکه مقصود حضرت امام چه بود و فرمایشات ایشان جنبه " مولوجوی " داشت یا " ارشادی "، بین فقهاء و علماء و وکلاء و نویسندگان و گویندگان جمهوری اسلامی ادا می پیدا می کند. یکی از فقهای مشهور عهد صفوی مرده بود. شب اول قبر نکیرین به سر وقت وی آمدند و سئوالات معهود را در میان گذاشتند. میدانید که طبق روایات، وقتی کسی چشم از جهان پوشید و او را در قبر چشم گذاشتند همان شب اول دولت عذاب، موسوم به نکیر و منکیر با گرزهای آتشین بالای سر وی روند و سئوالاتی را مطرح می کنند که مرده اگر جواب درست بدهد نمره قبولی می گیرد و اوست در لیست انتظار مسافران بهشت به ثبت می رسد. اما اگر جواب درجا نگیرد گرزهای آتشین بر سرش فرود می آید و از همان شب، دروازه جهنم را به رویش می کشانند. سئوالات شب اول قبر، تقریباً " مثابه سئوالاتی است که دستگام تفتیش عقاید جمهوری اسلامی، برای داوطلبان کنکور یا متقاضیان استخدام مطرح می کند " از قبیل این که خدای تو کیست؟ پیغمبر تو کیست؟ اما مت کیست؟ و البته همه این ها به زبان عربی.

طبق مرسوم، نکیر در طرف راست میست قرار گرفت و منکیر در سمت چپ او و لیکن سؤال را مطرح کردند که: " من ربک " خدای تو کیست؟ ...

فقیه معروف، بلاتشبییه، بلاتشبییه، دور از جان، دوهزار سال در میان، مثل حضرت امام ابروی چشم را بالا برد و از زیر چشم نگاه می کرد و سئوالاتی را مطرح کرد که: " اسطقسا " فوق اسطقسات!

نکیرین، در طول قرن هجدهم، از زبان میلیاردها مرده به چینی، هندی، سغدی، جغتایی، عربی، فارسی، انگلیسی جواب های مربوط و نامربوط زیاد شنیده بودند اما این کلمات برای ایشان به کلی نامفهوم بود.

از آنجا که دستگام تفتیش عقاید در آن دنیا، برخلاف دستگام های تفتیش عقاید در این دنیا حساب و کتابی ندارد و بدون مطالعات کافی جواب زورود به بهشت یا حکم اقامت در جهنم برای کسی صادر

نمی کنند، نکیرین بعد از زمدتی بچ و بچ و نجوی تصمیم گرفتند به دیکیونرهای مختلف مراجعه کنند و ببینند این کلمات به چه زبانی است و چه معنی می دهد.

رفتند و دیکیونرها را ورق زدند و چیزی دستگیرشان نشد. فکر کردند اگر سئوالات بعدی را مطرح کنند می توانند به قریبه دریا بند میت مقصودش چیست و به چه خدایی عقیده دارند. پرسیدند: " من نبیک " پیغمبر تو کیست؟ ...

با ز فقیه مرحوم لنگه برورا بالا انداخت و نگاهش را به پائین دوخت و لبش لرزید و گفت: اسطقسا " فوق اسطقسات! "

نکیر گفت این کلمات هیچ معنی ندارد. منکر گفت حتما " معنی دارد. این طور که عزرائیل در گذرنامه میت نوشته و فقیه بزرگی است. فقیهی با این سواد و کمال، با این ریش سفید و این وقار و وطنطنه مگر

میشود که حرف بی معنی بزند؟ باری، سؤال دیگری مطرح کردند و باز همان جواب را شنیدند. بالاخره چون عقل خودشان به جای نرسید یک گزارش شرفرضی برای مقامات عالییه نوشتند و کتب تکلیف کردند. گزارش توسط

میکائیل به عرض رسید. فرمودند این بزرگوار نودسال روی زمین زندگی کرد و آنجا هم که بود خود ما چیزی از حرفهایش نمی فهمیدیم!

فرمایشات حضرت امام را شاید فقهاء و علماء و مدرسین حوزه علمیه و مهندسان بازرگان و آیت الله منتظری و میکائیل و جبرائیل و مقامات بالا بالا درست درک نکنند، ولی از نظر آندسته از پیروان خط امام که چسب و چماق

و مسلسل و تانک و توپ در اختیار دارند هیچ نوع ابهامی وجود ندارد. بنا بر این وقتی حضرت امام می گوید، " بشکنید این قلمها را " یا " بدوزید

این دهان ها را " منتظر نمی شوند که ببینند آیت الله منتظری فرمایشات امام را چگونه تفسیر می کند یا فقهای قم و مشهد چه خواهند گفت. آن ها بدون فوت وقت دست به کار می شوند و تکلیف شرعی خودشان را به جا می آورند و حساب

کسانی را که با بد رسید می رسند و حتی مثل آن طلبه قمی وقتی دست هسای خون آلودشان را می شویند نمی گویند که نفهمیدیم آن ملعون چه کرده بود!

جماعتی در قم، یکی را در میان گرفته بودند و به قصد کشتن می زدند. طلبه بی

بی طرف تجاری را متوقف سازد. گفته می شود آمریکا را در این اقدامات شرکت نخواهد کرد اما به دولت تا چهره اطمینان داده است که زهرگونه اقدامی

مقاوم ختن آمریکا، فرانسه و ژاپن برای اتخاذ اقدامات مشترکی است که ایران و عراق را وادار به آتش بس در حوزه خلیج فارس کند و بمباران کشتی های



از آنجا می گذشت. او هم آستین هارا بالا زد و در کتک زدن شریک شد. آنقدر زدند تا حریف مرد. طلبه از آنجا به مسجد رفت و در حالی که خون ها را از دستش می شست با خود گفت نفهمیدیم ملعون چه کرده بود!

اما از همه این حرف ها گذشته، پیروان راستین خط امام یعنی چماق و گلهای حزب الهی برخلاف ادعای آیت الله منتظری حرف امام را خیلی هم بسند نمی فهمند. امام وقتی داخل در معقولات می شود از مقوله " اسطقسا " فوق اسطقسات " زیاد می گوید ولی در مورد

مسائل جاری کلامش کاملاً صریح و قابل فهم است. وقتی امام می گوید اسلام از اول تا آخرش جنگ بوده است و جنگ با ایدتا آخر دنیا ادامه پیدا کند، ابهامی در این گفته

به چشم نمی رسد. وقتی امام به ما " موریین سیاسی جمهوری اسلامی در کشورهای خارج می گوید بطوری عمل کنید که از شما بترسند، معناش واضح است. از ریش و پشم آن ها که کسی نمی ترسد، مقصود اینست که با

عملیات تروریستی، بمب گذاری، تخریب، کشتار مردم بی دفاع و بی گناه در کوچک و خیابان، آدم ربایی و اشغال آن دیگران را وحشت زده کنید.

وقتی امام از بین تمام آیات و کلمات قرآن، روی کلمه " قتلوا " انگشت می گذارد و آن طور در فضایل اعدا م و کشتار داد سخن می دهد روشن است که چه میگوید.

وقتی امام تکلیف می کند بر شرکتی قلمها و دوختن دهان ها، هر شرح و تفسیری برای این کلام صریح بی معنی است و اجتناب در مقابل نسی محسوب می شود.

پس گروههای فتنه روعلمه حزب الهی و شکنجهگران و جلادان و ماء موریین بمب گذاری و ترور و تخریب و ضرب و شتم حرف امام را خوب می فهمند و ما دقانه بدان عمل می کنند. اگر آیت الله

منتظری حرف امام را جور دیگری می فهمد معلوم میشود یا گوش او درست نمی شنود یا از خط امام خارج شده است!

در جهت قطع حملات ایران و عراق به کشتی های تجاری حمایت خواهد کرد.

بی طرف تجاری را متوقف سازد. گفته می شود آمریکا را در این اقدامات شرکت نخواهد کرد اما به دولت تا چهره اطمینان داده است که زهرگونه اقدامی

نشانی:  
QYAM IRAN  
C/O G. B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد